



انقلاب‌های عربی به گسترش قدرت ایران در منطقه منجر شد

انقلاب‌های عربی زمانی روی داد که آمریکا به شدت درگیر توطئه علیه ایران بود و بر خلاف تصور واشنگتن به جای این که این انقلاب‌ها عاملی جهت بی‌ثباتی در ایران باشند، به عاملی جهت تقویت و گسترش نفوذ ایران در منطقه تبدیل شد.

انقلاب‌های عربی زمانی روی داد که آمریکا به شدت درگیر توطئه علیه ایران بود و بر خلاف تصور واشنگتن به جای این که این انقلاب‌ها عاملی جهت بی‌ثباتی در ایران باشند، به عاملی جهت تقویت و گسترش نفوذ ایران در منطقه تبدیل شد.

به گزارش فارس به نقل از پایگاه خبری -تحلیلی الانتقاد، حدود دو دهه از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و بلوک شرق و پیمان ورشو و پس از آن افتادن اروپا و سپس جنوب آسیا و اخیراً خاورمیانه بدست پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو می‌گذرد و باید گفت آن دو دهه سال‌های طلایی حاکمیت آمریکا بر جهان به عنوان تنها ابرقدرت حاکم بر جریان‌ات و روند سیاست بین الملل به پایان رسیده است.

* آیا واقعا آمریکا در عصر طلایی خود بسر می‌برد

اما آیا حقایق جاری در جهان با این پیش فرض تطابق دارد؟ و آیا آمریکا هم اکنون نیز در عصر طلایی خود بسر می‌برد؟ آیا تاریخ نزاع میان سرمایه‌داری با رقیب دیرینش واقعا به پایان رسیده است؟ و مشخصا آیا بهار انقلاب‌های عربی از راه رسیدند تا بر این فرضیه تاکید کرده و بگویند که آمریکا موفقیت‌های مورد نظر خود و نظام خود را بطور کامل محقق ساخته است؟

*عدم تطابق فرضیه‌ها با واقعیت‌های موجود

پس از گذشت 6 ماه از دو انقلاب تونس و مصر، نگاهی به واقعیت‌های جاری جهان امروزی آشکار می‌کند که آمریکا و متحدان اروپایی و خاورمیانه‌ای و ناتو‌ی‌اش در تناقض شدید با این پیش فرض قرار دارند و همه آنها به شکلی بی‌سابقه با ناکامی‌های استراتژیک، سیاسی و اقتصادی بزرگی مواجه هستند.

* انقلاب‌های عربی برای آمریکا غافلگیرکننده بود

همچنین این پیش فرض تاکید می‌کند که بهار انقلاب‌های عربی در زمانی بسیار نامناسب و غیرمنتظره برای واشنگتن رخ داد؛ زمانی که شاهد شکست نظامی آرام و پیوسته نظامیان آمریکایی در افغانستان هستیم و این شکست‌ها و ناکامی‌ها نه عقب‌نشینی سریع و آنی که عقب‌نشینی تدریجی و آرام از افغانستان را بر کاخ سفید تحمیل کرده‌اند؛ اوضاع در عراق نیز برای آمریکایی‌ها چندان رضایت‌بخش نیست، چراکه پس از پیروزی خیالی و موهومی که کاخ سفید وانمود کرد در عراق بدست آورده است، باز سرگردان است که آیا خروج خود از این کشور را اعلام کند یا بر بقای آنها اصرار بورزد.

* انقلاب‌های عربی تابستان داغ تهران را خنک کردند

اما مهم‌تر از همه آن که انقلاب‌های عربی که موجب شدند آمریکا دو پایگاه و متحد استراتژیک منطقه‌ای - و اگر نگوییم جهانی- خود را در مصر و تونس از دست بدهد، زمانی رخ دادند که کاخ سفید بیش از هر زمان دیگری نقشه می‌کشید با به اجرا گذاشتن نقشه‌ها و توطئه‌هایش در ایران، تابستانی بسیار داغ را برای تهران رقم بزند.

* آمریکا و واژه گسترش دامنه انقلاب‌ها

آمریکا در اندیشه اجرای توطئه‌هایش علیه ایران بود که یکباره با انقلاب‌های مصر، تونس، یمن، لیبی و بحرین مواجه شد؛ ضمن اینکه به نظر نمی‌رسد دامنه این انقلاب‌ها متوقف شده باشد، بلکه انتظار می‌رود بهار انقلاب‌های عربی پای به عربستان نیز بگذارد.

* ناکامی‌های آمریکا دامان اسرائیل را نیز فراگرفت

نمی‌خواهیم درباره انقلاب‌های عربی بیش از این مبالغه کرده و ادعا کنیم این انقلاب‌ها با ناکامی‌های آمریکا در ایران نیز بی‌ارتباط نبوده‌اند، اما آنچه مسلم است این است که ناکامی کاخ سفید در ایران با آغاز انقلاب‌های عربی در جهان عرب همزمان گردید و همین امر موجب شد تا ناامیدی و یاس آمریکایی‌ها دو صد چندان شود. در این میان اسرائیل - که از جمله متحدان و هم‌پیمانان آمریکا

است - به دنبال ایجاد آشوب و بلوا در ایران بود. بنابراین به جرات می‌توانیم بگوییم که تل‌آویو نیز با ناکامی و شکستی مشابه با واشنگتن مواجه گردید؛ این درحالی است که از فغان‌ها و مویه‌های سردمداران صهیونیست این‌گونه برمی‌آید که آنها همچنان به کاخ سفید فشار می‌آورند تا وارد جنگ علیه ایران شود، چرا که اسرائیل همواره ایران را تنها خطری می‌داند که موجودیت این کشور را تهدید می‌کند. با این تفصیل، چه آمریکا و چه اسرائیل از تمام امکانات موجود استفاده می‌کنند تا با تحت فشار قرار دادن مصر، قاهره را از برقراری روابط مجدد با تهران بازدارند؛ موضوعی که به شکلی ملموس در زمانی که "نبیل العربی" پست وزیری خارجه مصر را در دولت پس از انقلاب احراز می‌کرد، قابل مشاهده بود.

* کاخ سفید در تلاش برای حفظ مصر

از آنجا که کاخ سفید هم اکنون با مشکلات اقتصادی و مالی بسیاری در نتیجه بحران اقتصادی حاکم بر جهان مواجه است، اگر بگوییم ناکامی‌های استراتژیک، سیاسی و اقتصادی آمریکا دوچندان شده است، بیراه نگفته‌ایم. این ناکامی‌ها زمانی برای کاخ سفید تلخ‌تر می‌شود که آمریکا از جانب اسرائیل و متحدان پرنفوذش تحت فشار باشد که به هر طریق ممکن به مقابله با تهران برخیزد. بنابراین، این‌گونه به نظر می‌رسد که کاخ سفید بیش از آن که درگیر انقلاب‌های عربی باشد، خود را وارد توطئه‌ها و نقشه‌هایی کرده تا با توسل به آنها موجبات تزلزل و تضعیف نظام جمهوری اسلامی را فراهم کند. نمود این موضوع را به شکلی خاص می‌توان در انقلاب مصر مشاهده نمود؛ چراکه اهمیت قومی، ملی و منطقه‌ای مصر در جهان عرب بر هیچ‌کس پوشیده نیست و بی‌شک انقلاب مصر می‌تواند رهبر و راهبر دیگر انقلاب‌های جهان عربی باشد.

* دو هدفی که دولتمردان آمریکایی از انقلاب‌های عربی دنبال می‌کنند

از سویی دیگر بر هیچ‌کس پوشیده نیست که توجه آمریکا به انقلاب‌های عربی بطور عام و به انقلاب مصر به شکل خاص به این جهت است تا کاخ سفید دو هدف را محقق کند: اولین هدف این است که انقلاب‌های عربی به دژی مستحکم علیه ایران تبدیل شوند؛ هدف دوم تبدیل این انقلاب‌ها به پایگاهی جهت حمایت از رژیم سلطنتی آل سعود در عربستان است تا مبادا بهار انقلاب‌های عربی پای به عربستان بگذارد و این کشور را از سلطنت آل سعود و نفوذ کاخ سفید و اخیراً روابط روبه گسترش با تل‌آویو برهاند.

* تلاش برای سرنگونی نظام ایران و حفظ رژیم در عربستان

این هدف دوگانه که از یک سو درصدد مقابله با ایران و ایجاد انقلاب و آشوب در آن به هر طریق ممکن و از سویی دیگر بهره‌برداری از همین انقلاب‌ها جهت حمایت از عربستان و مصون نگه داشتن رژیم آن از انقلاب‌هاست، هر روز بیش از گذشته ذهن دولتمردان کاخ سفید را به خود مشغول داشته است. در واقع چالشی که هم اکنون آمریکا با آن مواجه است، ناکامی کاخ سفید در اقدام علیه تهران نیست؛ بلکه مشکل اساسی در این نهفته است که واشنگتن خود را ملزم می‌بیند در دو مسیر کاملاً متناقض و متضاد گام بردارد که یکی ایجاد زمینه‌های انقلاب و آشوب در یک کشور و دیگری جلوگیری از وقوع هرگونه ناآرامی و انقلاب در کشور دیگر است.

* مصر پلی برای تحقق اهداف دو گانه آمریکا

و هر دوی این برنامه‌ها نیازمند این است که آمریکا در خاورمیانه در دو جهت مخالف و متضاد یکدیگر حرکت کند. به همین دلیل است که [آمریکا] عربستان را واداشته تا در جایی که راهی برای نفوذش باقی نمانده، از تمام نفوذ خود در مصر استفاده کند و با اعطای کمک‌های سخاوتمندانه اقتصادی به قاهره آن را در قبضه خود گیرد.

* آمریکا و حمایت از دولت نظامی یا وهابی در مصر

در ضمن، این موضوعی است که "خالد ابوالفضل" عضو سابق کمیته آزادی‌های آمریکا در گفت‌وگو با روزنامه مصری "المصری الیوم" در 2011/7/18 از آن پرده برداشت و بی‌پروا تأکید کرد که آمریکا ترجیح می‌دهد، در مصر پس از مبارک یا حکومت نظامی روی کار آید یا حکومت وهابی؛ و این نکته بسیار مهمی است که خطرات آن برکسی پوشیده نیست؛ در همین حال آمریکا گمان می‌برد می‌تواند از بهار انقلاب‌های عربی به عنوان عاملی برانگیزاننده در ایران استفاده کند.

* حمایت انقلاب‌های عربی از انقلاب ایران

اما از بررسی جریان‌های امور چنین برمی‌آید که در اینجا نیز دولتمردان کاخ سفید باید در انتظار یک ناکامی غافلگیرکننده دیگر باشند، چون حمایت متقابل تهران از انقلاب‌های عربی و انقلاب‌های عربی از نظام جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که آمریکا نمی‌تواند به استفاده از این انقلاب‌ها به عنوان حربه‌ای علیه ایران امیدوار باشد. تهران از همان ابتدا با استقبال از انقلاب‌های عربی آنها را راهی

برای رهایی از چنگال نفوذ آمریکا و مقابله با نفوذ اسرائیل در منطقه، بطور عام، و مصر و تونس، بطور خاص، توصیف کرد.

* اسرائیل و اندیشه حمله به ایران

در همین حال برای منابع غربی و آخرین آنها "رابرت بایر" (مسئول سابق سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا) آشکار شده که اسرائیل قصد دارد پاییز آینده به ایران حمله کند؛ در صورت وقوع چنین جنگی، بی‌شک آمریکا نیز درگیر جنگ جدید و در عین حال بزرگی خواهد شد.

* نتایج غیرقابل انکار حمله به ایران

تصمیم اسرائیل در حمله به ایران، بدون کسب موافقت کاخ سفید، به این معناست که، از یک سو، برای تل‌آویو اهمیت ندارد که نتایج جنگ چه بازتاب‌هایی برای آمریکا به همراه داشته باشد و از سوی دیگر، چنین جنگی تمام برنامه‌ها و طرح‌های آمریکا مبنی بر ایجاد زمینه‌های انقلاب در ایران و ممانعت از بروز هرگونه ناآرامی در عربستان را با شکست و ناکامی مواجه می‌کند.

* آیا اسرائیل در حمله به ایران، آمریکا را نادیده می‌گیرد

همچنین از دیگر تلویحات چنین اقدامی این است که تل‌آویو اهمیتی به اینکه واکنش ایران در پاسخ به این حملات چه باشد، نمی‌دهد؛ این امر ممکن است منافع آمریکا در منطقه خلیج فارس را که به شکل پایگاه‌های نظامی و ناوگان‌های دریایی بر اهمیت است را به خطر بیندازد، چراکه تهران پیش از این هشدار داده بود در صورت تعرض آمریکا یا اسرائیل، منافع آمریکا در منطقه را هدف قرار خواهد داد.

* خطر ایران قدرتمند، بیش از خطر ایران هسته‌ای است

با وجودی که بعید به نظر می‌رسد اسرائیل پیش از تامل و اندیشه در نتایج کار، دست به اقدامی علیه ایران بزند و منافع و برنامه‌های آمریکا در خلیج فارس را نادیده بگیرد، اما این سخن مقام سابق سیا چیزی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت، بویژه آن که در این اواخر و دقیقاً از زمان آغاز انقلاب‌های عربی، کاخ سفید ترجیح داده تا خطر ایران هسته‌ای را نادیده بگیرد و به خطر بزرگتر "حاکمیت ایران بر منطقه خلیج فارس" بیندیشد. به همین دلیل است که استراتژیست‌های آمریکا طرح مزدوج فوق‌الذکر را ارائه دادند.

* عقب‌نشینی از عراق اولین گام به سوی تقویت نفوذ منطقه‌ای ایران

"جرج فریدمن"، رئیس سازمان اطلاعات "استراتفور" آمریکا در 2011/7/8 از بدبینی خود به نتایج ناشی از عقب‌نشینی آمریکا از عراق و افزایش حتمی تقویت نفوذ ایران در خلیج فارس در نتیجه این عقب‌نشینی، سخن گفته بود و این نکته‌ای است که هم اکنون دولتمردان آمریکا را بیش از خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای دل‌نگران کرده است.

* تلاش آمریکا برای ایجاد بی‌ثباتی در ایران

به همین دلیل کاخ سفید تلاش می‌کند تا آنجا که امکان دارد از ایران، کشوری ناامن و بی‌ثبات بسازد؛ چرا که بی‌ثباتی ایران به معنای ثبات و استقرار [آمریکا] در عربستان سعودی و دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد بود. با این حال این‌گونه به نظر می‌رسد که حتی آمریکا نیز سیاست ثابتی در برابر ایران یا کشورهای خلیج [فارس] اتخاذ نکرده است و این بدین معنی است که در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری آینده آمریکا مسئله خطر ایران و کشور عربستان، از جمله قضایای بسیار مهمی خواهد بود که نقشی اساسی در شکل‌دهی نتیجه انتخابات بازی خواهد کرد.

* آیا اسرائیل سپتامبر آینده نقشه‌ها و برنامه‌های آمریکا را برباد خواهد داد

در صورتی که اسرائیل بدون کسب موافقت آمریکا تصمیم بگیرد سپتامبر آینده به ایران حمله کند، این بدین معناست که تمام نقشه‌ها و برنامه‌های آمریکا برباد خواهد رفت و زمانی که آمریکا نتواند، اسرائیل را از اقدام بازدارد، بی‌شک مسئولیت این امر را برعهده ایران خواهد گذاشت که بازتاب‌های خطرناکی بر عربستان سعودی و دیگر کشورهای منطقه خلیج خواهد داشت.

* فراگیر شدن انقلاب‌ها و ایفای نقش ایران

در این فضای مه‌آلود و مملو از خطرات و تهدیدات و انقلاب‌ها که تمامی در مراحل سرنوشت‌ساز هستند، این احتمال بعید به نظر نمی‌رسد که انقلاب‌های عربی سراسر منطقه را فراگیرد و در آن زمان است که نوبت به ایران می‌رسد تا به عنوان يك قدرت منطقه‌ای وارد عمل شود و ایفای نقش کند.

* مطرح شدن مجدد ایده گفتگوی ایران - عربستان

شاید به همین دلیل است که ایده گفت‌وگویی ایران - عربستان که زمانی از سوی تهران مطرح شد و با مخالفت شدید غرب مواجه شد، هم اکنون بار دیگر مطرح می‌شود، اما پیش شرط اجرای چنین مذاکراتی این است که تنها میان دو کشور ایران و عربستان و بدون دخالت غرب و در راس آنها آمریکا و اسرائیل انجام شود، بویژه اگر به این نکته توجه داشته باشیم که نیروهای سیاسی با نفوذ و قدرتمند عربستانی از این ایده به شدت حمایت کرده‌اند.

اما سوالی که در اینجا بدون پاسخ باقی می‌ماند این است که آیا آمریکا حاضر می‌شود، حل مشکلات و رسیدگی به امور خلیج فارس را به کشورهای منطقه واگذار کند؟